

بررسی اثربخشی برنامه های پرورشی بر خودتوانمندسازی دانش آموزان ابتدایی

فاطمه سلیمانی^۱

^۲ کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور اصفهان.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه های پرورشی بر خودتوانمندسازی دانش آموزان ابتدایی به انجام رسیده است. طرح پژوهش نیمه آزمایشی با استفاده از پیش آزمون - پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانش آموزان ابتدایی شهر مبارکه اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به تعداد ۸۲۰ نفر می باشد حجم نمونه پژوهش برای تحقیقات نیمه آزمایشی با در نظر گرفتن مطالعات مشابه، ۳۰ نفر تعیین شد. ابتدا از بین مدارس ابتدایی شهر مبارکه، یک مدرسه انتخاب و ۳۰ نفر از دانش آموزان با در نظر گرفتن ملاک های ورود (رضایت آگاهانه، تحصیل در پایه های چهارم، پنجم و ششم، جنسیت پسر) و ملاک های خروج (مشکلات تحصیلی، اعتیاد والدین، فرزندان طلاق) با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. در این مطالعه قبل از شروع مداخله آموزشی (برنامه های پرورشی)، رضایت آگاهانه کتبی از والدین دانش آموزان اخذ شد. ابزار گردآوری تحقیق، پرسشنامه خودتوانمندسازی پرندین (۱۳۸۵) بوده است. شرکت کنندگان ابتدا در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه های خود توانمندسازی تکمیل کرده و سپس آزمودنی های گروه آزمون، تحت جلسات برنامه های پرورشی که طی ۴ هفته برگزار گردید؛ قرار گرفتند. با پایان جلسات شرکت کنندگان مجددا پرسشنامه های نامبرده را تکمیل نمودند. روش تجزیه و تحلیل داده های آماری به ۲ شکل توصیفی (جداول و نمودارهای توزیع فراوانی) و استنباطی (آزمون فرضیه های پژوهش و برآورد های آماری تحلیل واریانس چند متغیری MANOVA با استفاده از نرم افزار spss ۲۶ انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که برنامه های پرورشی بر روی خودتوانمندسازی دانش آموزان ابتدایی تاثیر دارد.

واژه های کلیدی: برنامه های پرورشی، خودتوانمندسازی، دانش آموزان.

مقدمه

در دوره ابتدایی، دانش آموزان با مشکلات اجتماعی و عاطفی زیادی مواجه هستند که یکی از عوامل موثر بر آن عدم خودتوانمندی است. این عامل به ویژه در سنین جوانی و نوجوانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا در این سنین به دلیل تغییرات پیچیده و سریعی که در این دوره از زندگی تجربه می کنند، در برابر اختلالات رفتاری و ناهنجاری های روانی آسیب پذیرتر هستند (شافر و کیپ^۱، ۲۰۱۳). خود توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است؛ بدین معنا که فرد احساس اعتماد به نفسش را بهبود می بخشد و بر احساس ناتوانی یا درماندگی شان چیره می شود. به عبارتی در فرد توانمند شور و شوق کار و فعالیت به وجود آید و برای انجام وظایف بر اساس انگیزه درونی عمل کنند. افراد توانمند نه فقط امکان برخی کارها را به دست می آورند، بلکه اندیشه آنان درباره خود نیز با اندیشه ای که پیش از توانمند شدن داشته اند تفاوت می کند. شادی طلب نیز توانمندسازی را فرایندی می داند که از طریق آن مردم به سطحی از توسعه فردی دست می یابند که با آن امکان انتخاب بر اساس خواسته هایشان فراهم می شود (میرزاخانی، ۱۳۹۹). خودتوانمندسازی شامل ۴ مولفه است که عبارتند از: مهارت های رفتاری: مهارت هایی هستند که مربوط به کنترل رفتار می باشند؛ برای مثال کنترل خشم یک مهارت رفتاری است. مهارت های شناختی: به حوزه شناختی مربوط است مثلاً افکار، حافظه و .. جز توانایی های شناختی هستند و می توان گفت کنترل افکار، مهارت حل مسئله و هر مهارت ذهنی دیگر، جز مهارت های شناختی دسته بندی می شود. مهارت های هیجانی: همان طور که مشخص است با هیجانات و عواطف و احساسات ما در ارتباط می باشند. آگاهی از هیجانات و احساسات و توانایی مدیریت هیجانات، جز مهارت های هیجانی دسته بندی می شود. آمایه انگیزشی: با انگیزه های انسانی در ارتباط است. ایجاد انگیزه های درونی، به جای انگیزه های بیرونی، در کفایت اجتماعی نقش دارد (رضوی نژاد، ۱۳۹۵).

پایین بودن سطح خودتوانمندسازی در دانش آموزان سبب ایجاد شک و تردیدهایی می شود که این مسئله باعث بروز مشکلات اجتماعی و روانی - تحصیلی در دانش آموزان شده است. خودتوانمند سازی نقش مهم واساسی در مواجهه با این مسائل مانند ترک تحصیل، مشاخره با خانواده، افسردگی، اعتیاد و... دارد. خودتوانمندسازی به معنای افزایش میزان اختیار و اقتدار برای انتخاب منابع محیطی و استفاده از ایده ها در تصمیم گیری هایی است که بر زندگی فرد تأثیر می گذارد. (توسلی، ۱۳۸۳). از مهمترین پیامدهای مثبت خودتوانمندسازی دانش آموزان، جامعه پذیری و تربیت اجتماعی می باشد که این دو مقوله بوسیله فعالیت ها و برنامه های پرورشی در محیط های مدارس تقویت می شوند. فعالیت های تربیتی-اجتماعی (پرورشی) و فوق برنامه در کنار جریان رسمی آموزش و پرورش جایگاه خویش را برای تحقق بخشیدن به هدف های عالی انسانی پیدا نموده است. اهمیت و ضرورت به کار بستن برنامه های پرورشی مدارس برای آموزش اجتماعی و خودتوانمندسازی اجتماعی زمانی آشکار می شود که بدانیم این آموزش توانایی های روانی - اجتماعی را بهبود می بخشد و به فرد کمک می کند تا به طور مؤثر با تعارض ها و موقعیت های زندگی مقابله کند (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۷). مجموعه فعالیت های هدفمند، منظم و مستمری که به منظور ایجاد فرصت ها و زمینه های مناسب برای شکوفایی استعدادها، جهت دهی به رشد همه جانبه دانش آموزان و در راستای تحقق اهداف مصوب دوره های تحصیلی، برنامه ریزی و در طول سال توسط منابع انسانی واجد صلاحیت های تربیتی در قالب برنامه های «رسمی» و «فوق برنامه» مدارس ساماندهی و اجرا می شود. در حال حاضر قرآن و معارف اسلامی، اردو و بازدید، مراسم و مناسبت ها، مطالعه و پژوهش، مسابقات و جشنواره های فرهنگی و هنری، شوراها و تشکلهای دانش آموزی، نشست ها و جلسات پرسش و پاسخ، فعالیت های ادبی، فعالیت های هنری، تربیت بدنی، راهنمایی و مشاوره، سلامت و تندرستی، ایمنی و پیش گیری از حوادث، از جمله فعالیت های عمده و تعریف شده این حوزه است که توسط معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش برنامه ریزی و اجرا می شود (نادری و همکاران، ۱۳۹۰).

^۱ - Shaffer & Kipp

با مرور تحقیقات پیشین ملاحظه می شود که نقش متغیرهایی چون آموزش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (عاشوری و رشدی، ۱۳۹۸)، آموزش راهبردی حافظه کاری (سرداری، ۱۴۰۰)، بسته آموزشی مبتنی بر کارکردهای اجرایی (رهایی و همکاران، ۱۴۰۱)، آموزش ذهن آگاهی (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰) بر انعطاف پذیری شناختی دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین نقش و اثربخشی متغیرهایی چون آموزش حل مسئله به روش شناختی اجتماعی (پناه علی و همکاران، ۱۴۰۰)، بازی درمانی (علی مرادی و همکاران، ۱۳۹۷)، آموزش مهارت های اجتماعی (رهبر کرباسدهی و همکاران، ۱۳۹۶) بر خود-توانمندسازی دانش آموزان مورد مطالعه قرار گرفته است. اجرای برنامه های آموزشی، غنی سازی برنامه های آموزشی دانش آموزان و انجام فعالیت های فوق برنامه یک ضرورت انکارناپذیر است. هدف اصلی برنامه های پرورشی مدارس را می توان اینگونه بیان داشت: ایجاد تغییرات شایسته در دانش آموزان بطوری که با تدارک فعالیتهای مستمر و پیوسته به رشد شناختی، عاطفی، دینی، اخلاقی، جسمانی و در یک کلمه شکوفا ساختن استعدادهای خدادادی دانش آموزان منجر شود برنامه هایی اثربخش که ابتدا آینده را تصور می کند و سپس آن را می سازد و در این زمینه بیشترین نقش را به خود دانش آموزان می دهد تا بتواند برای زندگی در شرایط جدید جامعه خود را مهیا سازد (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۷). احساس خودتوانمندی و شایستگی اجتماعی مستلزم داشتن مهارت ها و رفتارهای لازم برای تحول سالم و سازگاری با محیط اجتماعی است که در آن ضعف مهارت های اجتماعی منجر به ترک تحصیل و بروز مشکلات دیگر می شود. در فوق، اهمیت و ضرورت و پیامدهای مثبت وجود متغیرهای اصلی تحقیق در مدارس و در بین دانش آموزان به اختصار بیان شد و همچنین ذکر شد که ضعف این متغیرها در بین دانش آموزان و کودکان، پیامدهای منفی به همراه دارد لذا توجه به این متغیرها و تقویت آنها در بین دانش آموزان از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد و همچنین از نظر پژوهشی، با توجه تحقیقات پیشین بر نقش برنامه های پرورشی بر روی خودتوانمندسازی در بین دانش آموزان تمرکز نداشته اند، لذا برای انجام و پر کردن این خلا پژوهشی، انجام این پژوهش دارای ضرورت علمی می باشد. برای پر کردن این شکاف تحقیقاتی این تحقیق به بررسی اثربخشی برنامه های پرورشی بر روی خود-توانمندسازی دانش آموزان در دوره ابتدایی شهر مبارکه اصفهان پرداخته شد. بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخگویی این سوال است: آیا برنامه های پرورشی بر خودتوانمندسازی دانش آموزان ابتدایی اثر دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه ی اجرایی و گردآوری اطلاعات، توصیفی (متمرکز بر اجرای پرسشنامه-مقیاس چند وجهی درجه بندی شده با طیف بندی لیکرت) و مقطعی؛ با توجه به اینکه یافته ها فقط در یک دوره ی زمانی کوتاه (۲-۱۴۰۱) جمع آوری می شود، می باشد. طرح پژوهش نیمه آزمایشی با استفاده از پیش آزمون - پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل است. و روند پژوهش از متغیر مستقل به متغیر وابسته می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان مدارس ابتدایی شهر مبارکه استان اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می باشد. از این جامعه، ۳۰ دانش آموز با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب و در دو گروه (آزمایش ۱۵ نفر و کنترل ۱۵ نفر) قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه خودتوانمندسازی توسط پرندین (۱۳۸۵) می باشد که براساس مدل چهار بعدی فلنر (۱۹۹۰) ساخته و هنجار شده است کسب می کنند. خودتوانمندسازی شامل چهار عامل است که براساس بعضی از سئوالات پرسشنامه کفایت اجتماعی سنجیده می شوند. پرسشنامه کفایت اجتماعی که چهار بعد مهارت رفتاری، مهارت شناختی، مهارتهای هیجانی و آمایه های انگیزشی را در بر می گیرد. این پرسشنامه ویژه نوجوانان می باشد که یک ابزار ۴۷ سئوالی است. مولفه های پرسشنامه عبارتند از: عامل مهارت های رفتاری (۳۴ گویه) ۱ تا ۳۴، عامل آمایه های انگیزش و انتظارات (۷ گویه) ۳۵ تا ۴۱، عامل مهارتهای شناختی (۳ گویه) ۴۲ تا ۴۴، و عامل کفایت هیجانی (۳ گویه) ۴۵ تا ۴۷. در پرسشنامه خودتوانمندسازی هر سوال دارای ۷ گزینه شامل: کاملاً موافقم، موافقم، تاحدی موافقم، نظری ندارم، تا حدی مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم می باشد و آزمودنی باید گزینه ای را انتخاب کند که بیشتر بیانگر احساسات و نظرات او

باشد. روش نمره گذاری به شیوه لیکرتی می باشد و از سیستم ۱ تا ۷ پیروی می کند؛ به این ترتیب که اگر آزمودنی گزینه کاملاً مخالفم را انتخاب کند نمره ۱، مخالفم نمره ۲، تا حدی مخالفم ۳، نظری ندارم ۴، تا حدی موافقم ۵، موافقم ۶ و کاملاً موافقم نمره ۷ می گیرد. همچنین سوالات شماره ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴ و ۴۵ به صورت معکوس نمره گذاری می شود، به این صورت که به کاملاً موافقم نمره ۱ و به کاملاً مخالفم نمره ۷ تعلق می گیرد. پرسشنامه شامل ۴ مولفه عامل مهارت های رفتاری (۳۴ گویه، طیف نمره دهی ۳۴-۲۳۸)، عامل آمایه های انگیزش و انتظارات (۷ گویه، طیف نمره دهی ۷-۴۹)، عامل مهارت های شناختی (۳ گویه، طیف نمره دهی ۳-۲۱) و عامل کفایت هیجانی (۳ گویه، طیف نمره دهی ۳-۲۱) می باشد. در کل پرسشنامه ۴۷ گویه دارد. کسب نمره بالا نشان دهنده بالا بودن کفایت اجتماعی و برعکس می باشد. بر اساس این روش از تحلیل شما نمره های به دست آمده را جمع کرده و سپس بر اساس جدول زیر قضاوت کنید. لازم به ذکر است که تعدادی از سوالات دارای نمره بندی معکوس می باشد در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۴۷ تا ۱۰۹ باشد، میزان کفایت اجتماعی در این جامعه نامطلوب می باشد. در صورتی که نمرات پرسشنامه بین ۱۱۰ تا ۲۲۰ باشد، میزان کفایت اجتماعی در نسبتاً مطلوبی می باشد. در صورتی که نمرات بالای ۲۲۰ باشد، میزان کفایت اجتماعی در حد مطلوبی می باشد. قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش پیری و همکاران (۱۳۹۰) برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد. به منظور بررسی پایایی ابزار اندازه گیری، از آماره آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به اطلاعات جدول فوق، تمامی مقادیر آماره آلفا در متغیر خودتوانمندسازی برابر با (۰.۹۳۱) می باشند. بنابراین می توان نتیجه گرفت پژوهش حاضر از اعتبار بالایی برخوردار است. ملاک های ورود به مطالعه شامل، رضایت آگاهانه، تحصیل در پایه های چهارم، پنجم و ششم، و جنسیت پسر می باشد. ملاک های خروج، مشکلات های تحصیلی و اعتیاد والدین و می باشد. در این مطالعه قبل از شروع مداخله آموزشی (برنامه های پرورشی)، رضایت آگاهانه کتبی از والدین دانش آموزان اخذ شد. شرکت کنندگان ابتدا در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه های خود توانمندسازی تکمیل کردند و سپس آزمودنی های گروه آزمون، تحت آموزش برنامه های پرورشی طی ۴ جلسه دو ساعته قرار گرفتند. روش تجزیه و تحلیل داده های آماری به ۲ شکل توصیفی (جدول و نمودارهای توزیع فراوانی) و استنباطی (آزمون فرضیه های پژوهش و برآورد های آماری تحلیل واریانس چند متغیری MANOVA با استفاده از نرم افزار spss ۲۶ انجام شد.

یافته ها

در جدول ۱ فراوانی و درصد فراوانی مقطع تحصیلی دانش آموزان به تفکیک عضویت گروهی نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانش آموزان

مقطع تحصیلی	آزمایش		کنترل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
چهارم	۳	۲۰	۶	۴۰
پنجم	۱۱	۷۳/۳	۸	۵۳/۳
ششم	۱	۶/۶	۱	۶/۶
کل	۱۵	۱۰۰	۱۵	۱۰۰

همان گونه که در جدول ۱ دیده می شود، در گروه آزمایش و کنترل تعداد بیشتر دانش آموزان در مقطع تحصیلی پنجم با فراوانی به ترتیب ۱۱ (۷۳/۳ درصد) و ۸ (۵۳/۳ درصد) بوده است.

جدول ۲: شاخص های توصیفی نمرات متغیرهای وابسته به تفکیک دو گروه

متغیر	گروه	تعداد	پیش آزمون		پس آزمون	
			میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
خود توانمندسازی	آزمایش	۱۵	۶۴/۸	۴/۰۵	۲۹۴/۷۳	۹/۳۱
	کنترل	۱۵	۶۶/۱۳	۴/۹۱	۶۵/۷۳	۴/۹۳

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود، میانگین نمرات خود توانمندسازی در مراحل پس آزمون در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بعد از اجرای برنامه های پرورشی افزایش پیدا کرده است.

فرضیه پژوهش

برنامه های پرورشی بر روی خود توانمندسازی دانش آموزان ابتدایی تاثیر دارد.

به منظور بررسی تاثیر برنامه های پرورشی بر روی خود توانمندسازی دانش آموزان ابتدایی نیز از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج مربوط به اجرای این آزمون در ادامه آورده شده است.

جدول ۳: نتیجه آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس ها

متغیر	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
مهارت رفتاری	۱۵/۱۴۶	۱	۲۸	۰/۱۰۱
مهارت شناختی	۰/۱۰۳	۱	۲۸	۰/۹۵۴
مهارت هیجانی	۱۵/۰۵۱	۱	۲۸	۰/۱۰۱
آمایه انگیزشی	۰/۱۰۳	۱	۲۸	۰/۹۵۹
خود توانمندسازی	۱۱/۲۲۹	۱	۲۸	۰/۱۰۲

همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است، نتایج آزمون لوین در هیچ یک از متغیرها معنا دار (بزرگتر از ۰/۰۱) نمی باشد. از این رو فرض صفر ما مبنی برای همگنی واریانس متغیرها مورد تایید قرار می گیرد.

جدول ۴: نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری برای مقایسه خودتوانمندسازی در گروه آزمایش و کنترل

اثر	آزمونها	مقادیر	F	درجه آزادی اثر	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر
گروه	اثر پیلایی	۰/۹۹۷	۲۰۷۲/۸۰۵	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷
	لامبدای ویلکز	۰/۰۰۳	۲۰۷۲/۸۰۵	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷
	اثر هتلینگ	۳۹۴/۸۲۰	۲۰۷۲/۸۰۵	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷
	بزرگترین ریشه روی	۳۹۴/۸۲۰	۲۰۷۲/۸۰۵	۲	۲۵	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷

همانطور که مشاهده می گردد سطح معنی داری هر چهار آماره چند متغیری مربوطه یعنی اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگترین ریشه روی، کوچکتر از ۰/۰۱ است ($P < ۰/۰۱$). بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و مشخص می گردد که بین دو گروه آزمایش و کنترل، در نمرات مربوط به خودتوانمندسازی در پس آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. بر این اساس می توان گفت اجرای برنامه های برنامه های پرورشی موثر بوده است. به منظور بررسی تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در هر یک از این متغیرها، آزمون اثرات بین آزمودنی مورد استفاده قرار گرفت که نتایج حاصل در ادامه ارائه شده است.

جدول ۵: آزمون اثرات بین آزمودنی برای مقایسه خودتوانمندسازی گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
مهارت رفتاری	گروه	۱۸۰۶۵۸/۴۲۶	۱	۱۸۰۶۵۸/۴۲۶	۴۷۰۱/۸۶۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۵
	خطا	۹۲۲/۱۴۶	۲۴	۳۸/۴۲۳			
	کل	۷۰۸۴۵۷	۳۰				
مهارت شناختی	گروه	۱۳۲۳/۴۴۷	۱	۱۳۲۳/۴۴۷	۶۱۱/۶۹۰	۰/۰۰۰	۰/۹۶۲
	خطا	۵۱/۹۲۶	۲۴	۲/۱۶۴			
	کل	۵۸۱۰	۳۰				
مهارت هیجانی	گروه	۸۲۶۸/۷۲۳	۱	۸۲۶۸/۷۲۳	۱۰۹۲/۸۰۴	۰/۰۰۰	۰/۹۷۹
	خطا	۱۸۱/۵۹۶	۲۴	۷/۵۶۷			
	کل	۳۱۰۵۰	۳۰				
آمایه انگیزشی	گروه	۱۵۸۱/۶۰۰	۱	۱۵۸۱/۶۰۰	۱۶۹۴/۶۳۳۴	۰/۰۰۰	۰/۹۸۶
	خطا	۲۲/۴۰۳	۲۴	۰/۹۳۳			
	کل	۵۹۷۰	۳۰				
خودتوانمندسازی	گروه	۳۵۰۶۰۶/۵۵۴	۱	۳۵۰۶۰۶/۵۵۴	۵۷۴۶/۸۴۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹۶
	خطا	۱۴۶۴/۰۶	۲۴	۶۱/۰۰۹			
	کل	۱۳۶۹۳۸۵	۳۰				

در جدول ۵ نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی برای مقایسه خودتوانمندسازی، در گروه های آزمایش و کنترل در مرحله پس آزمون نشان داده شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵ مقدار F بدست آمده، برای هر دو متغیر در سطح ۰/۰۵ معنی دار می باشد. بنابراین فرض صفر رد و فرض پژوهش مورد تایید قرار می گیرد. با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس آزمون، در خصوص خودتوانمندسازی چنین نتیجه می شود که برنامه های پرورشی بر روی خودتوانمندسازی دانش آموزان ابتدایی تاثیر دارد.

نتیجه گیری

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها در خصوص فرضیه پژوهش نشان می دهد مقدار F بدست آمده، برای متغیر پژوهش در سطح ۰/۰۵ معنی دار می باشد. بنابراین فرض صفر رد و فرض پژوهش مورد تایید قرار می گیرد. با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس آزمون، در خصوص خودتوانمندسازی چنین نتیجه می شود که برنامه های پرورشی بر روی خودتوانمندسازی دانش آموزان ابتدایی تاثیر دارد.

نتایج به دست آمده در مورد این فرضیه با نتایج پژوهش های مختلف به طور مستقیم و غیر مستقیم همخوانی دارد. از جمله این پژوهش ها می توان به درودی (۱۴۰۱)، خسروی (۱۴۰۱)، صالحی امیری (۱۴۰۰)، باکلی^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، پ انوو^۲ و همکاران (۲۰۱۳)، ژی^۳ (۲۰۱۲) اشاره کرد. در تبیین نتایج این فرضیه می توان گفت که فعالیت های فوق برنامه مرزهای یادگیری را از نظر رویکردهایی مانند توسعه مهارت های زندگی، یادگیری و آموزش و همچنین یادگیری در خانواده و جامعه گسترش می دهد. این فعالیت ها دانش آموزان را به عنوان محقق به کاوش و کشف مفاهیم و رفع نواقص موجود سوق می دهد و منجر به تقویت قوای تفکر و استدلال و توانمندسازی خود می شود. به همین ترتیب باید آموزش را از انتقال یک سویه دانش از معلم به دانش آموز حرکت دهند، دانش آموزان را در فضای علمی و پژوهشی قرار دهند، طراوت را به مدرسه بیاورند و ارتباط صمیمانه بین دانش آموزان و معلمان ایجاد کنند. برنامه های پرورشی موجب رشد روحیه خودباوری، همزیستی، تحمل نظرات دیگران، شجاعت و سلامت جسمی و روانی دانش آموز می شود. در سایه علاقه نشان داده شده به برنامه های پرورشی، دانش، عواطف و عملکرد دانش آموزان در هم تنیده می شود و یادگیرندگانی خواهیم داشت که به فعالیت های برنامه درسی علاقه مند هستند، انگیزه تحصیلی بالایی دارند و به آنچه می خوانند اعتقاد درونی پیدا می کنند. زیرا در سرتاسر برنامه درسی صورت می گیرد و از داخل کلاس تا بیرون کلاس گسترش می یابد و هدف آن تقویت و غنی سازی یادگیری و تکمیل و تعمیق اهداف برنامه درسی است. این فعالیتی است که برای حفظ انگیزه و ایجاد چالش برای یادگیرنده و ایجاد تجربیات در زمینه باز و همچنین در مورد موضوع طراحی شده است.

بنابراین، با توجه به تحولات و دگرگونی های سریع اجتماعی، افراد برای اینکه بتوانند بر سرنوشت خود مسلط شوند، نقش فعال و سازنده ای در انجام مسئولیت های خود داشته باشند و قدرت خود را افزایش دهند، نیازمند کسب مهارت های ویژه هستند. به همین دلیل باید فعالیت های جانبی برنامه ریزی شود که در آن مقدمات لازم برای زندگی مشترک با رعایت حقوق متقابل فراهم شود. انجام ندادن این فعالیت ها در اوقات فراغت باعث می شود که کودکان و نوجوانان در موقعیت های پرخطر قرار بگیرند. بنابراین باتوجه به نظریه بندورا می توان چنین عنوان نمود که کودکان و نوجوانان در برنامه های پرورشی با انجام امور تازه و شرکت در اجتماعات بر خلاقیت خود می افزایند. ایجاد فعالیت های متمرکز و مبنی بر علاقه افراد منجر به کاهش رنج روحی آنها شده و می تواند خودتوانمندسازی آنها را در زمینه علاقمندی ها به کار گرفته باعث افزایش سلامت روانی و حفظ آن گردد. بازبینی در شان و جایگاه امور پرورشی و اثبات تاثیر آن به آسیب زدایی از دوران تحصیل به خصوص دوره آموزش عمومی و همچنین کسب توانمندی های نوآورانه، خلاقیت و

^۱ - Buckley

^۲ - Annu

^۳ - Zhe

خودتوانمندسازی دانش آموزان کمک زیادی خواهد کرد. بنابراین می توان گفت برنامه های پرورشی در تضاد و مقابل برنامه درسی نیست، بلکه در کنار برنامه درسی یا به عنوان بخشی از آن و برای تکمیل آموزش های صورت گرفته به دانش آموزان انجام می گیرد. در راستای نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود که تحقیقات موجود در مورد موضوع در سایر استان ها، مقاطع تحصیلی دیگر و به کمک ابزار مصاحبه نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- پناه علی، الف، دشتی، ن.، آزموده، م. (۱۴۰۰). تعیین اثربخشی آموزش حل مسئله به روش شناختی اجتماعی بر خود توانمندسازی اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان. پژوهش های نوین روان شناختی، شماره ۶۱، صص ۵۲-۶۳. توسلی، غ. (۱۳۸۳). نظریه های جامعه ساختی. انتشارات سمت، تهران.
- حسن زاده، ن.، اسماعیلی شاد، ب.، سلیمان پور، ع. (۱۳۹۷). تاثیر برنامه های پرورشی بر جامعه پذیری دانش آموزان دوره ابتدایی. جامعه شناسی آموزش و پرورش، شماره ۶، صص ۶۹-۷۸.
- خسروی، ا. (۱۴۰۱). نقش فعالیت های پرورشی در تبیین تربیت دینی از دیدگاه معاونان و مربیان پرورشی شهر سوسنگرد سال ۱۴۰۱. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- درودی، م. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت بندی نیازهای پرورشی دانش آموزان دختر متوسطه از دیدگاه معلمان و دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خراسان.
- دهقانی، ی.، مجدیان، ن.، افشین، ع.، فرازجا، م. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش ذهن آگاهی بر برنامه ریزی و انعطاف پذیری شناختی دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری. فصلنامه روان شناسی تربیتی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، صص ۱۱۱-۱۳۵.
- رضوی نژاد، خ. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر خودتوانمندسازی اجتماعی و استراتژی های حل مساله در نوجوانان مراکز شبانه روزی بهزیستی شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد واحد اناز.
- رهایی، ع.، تقوایی نیا، ع.، ملتفت، ق. (۱۴۰۱). اثربخشی بسته آموزشی مبتنی بر کارکردهای اجرایی بر حافظه کاری و انعطاف پذیری شناختی دانش آموزان. فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صص ۱۷۰-۱۷۸.
- رهبر کرباسدهی، ف.، حسین خانزاده، ع.، رهبر کرباسدهی، الف. (۱۳۹۶). تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر خودتوانمندسازی اجتماعی و ناگویی هیجانی دانش آموزان با ناتوانی های یادگیری ویژه. مجله تعلیم و تربیت استثنایی، دوره ۱۷.
- سرداری، ب. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش راهبردهای حافظه کاری بر انعطاف پذیری شناختی و خودتنظیمی هیجانی در دانش آموزان ابتدایی. مجله تفکر و کودک، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- صالحی امیری، م. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش راهبردهای فراشناخت و بازی های پرورشی بر کارکرد تحصیلی دانش آموزان با اختلال یادگیری آموزش و پرورش تبادکان مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خاتم.
- عاشوری، م.، رشیدی، الف. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بر انعطاف پذیری شناختی دانش آموزان ناشنوا. توانمندسازی کودکان استثنایی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۵۰-۲۵۹.
- علی مرادی، م.، قربان شیروودی، ش.، خلعت بری، ج.، رحمانی، م. (۱۳۹۷). اثربخشی بازی درمانی بر خودتوانمندسازی اجتماعی و ناگویی هیجانی دانش آموزان دختر با اختلال یادگیری خاص. مطالعات ناتوانی، دوره ۸.
- میرزاخانی، ک. (۱۳۹۹). مطالعه جامعه شناختی راهکارهای توانمند سازی زنان روستایی و عشایر. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۴۵)، ۱۵-۱.

نادری، ا.، حاجی حسین نژاد، غ.، تاجیک اسمعیلی، ع.، زین آبادی، ح. (۱۳۹۰). ویژگیهای اهداف فعالیت های فوق برنامه دانش آموزان دبیرستانی با رویکرد پیشگیری از آسیبهای اجتماعی. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۲۴، ۸.

Annu And Sunita, M. (۲۰۱۳). Impact of Extracurricular Activities on Students in Private School of Lucknow District. International Journal of Humanities and Social Science Invention ISSN, (۶).

Buckley, P., & Lee, P. (۲۰۲۱). The impact of extra-curricular activity on the student experience. *Active Learning in Higher Education*, 22(۱), ۳۷-۴۸.

Shaffer D, Kipp K. (۲۰۱۳). Developmental psychology: Childhood and adolescence: Cengage Learning; ۲۰۱۳, pp: ۱۲۳-۱۲۸.

Zhe ,Wang. (۲۰۱۲). The Current Situation of Students' Participatation in Extracurricular Sports Activities of Private Middle School in Henan Province and the Analysis of Investigation, *Physics Procedia*, ۳۳: ۲۰۱۵ – ۲۰۱۹.